نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و دوم، شماره ۶۴، بهار ۱۴۰۱

ارزیابی بهره‌گیری از قابلیت‌های هنرعمومی در بازآفرینی فرهنگ مبنا (مطالعه موردی: محله عودلاجان)

دریافت مقاله: ۹۷/۷/۶ **پذیرش نهایی**: ۹۸/۵/۱۵

صفحات: ۱۹۹-۱۸۱

محمود آروین: دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران،تهران، ایران[۱]
Email: arvinmahmood@yahoo.com
مهسا قانع: دانش آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر، تهران، ایران.
Email: Mahsaghane92@yahoo.com
احمدپوراحمد: استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا ، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: apoura@ut.ac.ir

چکیده

یکی از رویکردهای نوین بازآفرینی جهت ارتقا کیفیت بافت‌های فرسوده بازآفرینی با رویکرد فرهنگ مبنا است. در این راستا بهره‌گیری از هنر و فرهنگ به‌عنوان یکی از راهکارهای بازآفرینی فرهنگ مبنا شناخته می‌شود. هدف اصلی این پژوهش ارزیابی بهره‌گیری از قابلیت‌ها و توانایی‌های اجرایی هنر عمومی در دو بعد دائمی و موقت و میزان تأثیرگذاری هنر عمومی در ابعاد اجتماعی-فرهنگی، زیبایی‌شناسی-کالبدی و اقتصادی جهت بازآفرینی بافت فرسوده محله عودلاجان واقع در منطقه ۱۲ شهر تهران می‌باشد. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی –تحلیلی است. با بررسی مطالعات نظری و تجارب جهانی صورت گرفته، شاخص‌های هنر عمومی در دو بعد دائمی(مبلمان، فضای‌سبز و گیاهان‌رونده، نقاشی‌دیواری، احیای بنای تاریخی، کافه و رستوران، کتابخانه، مجسمه، المان، طراحی ورودی و پل) و موقت(نمایش خیابانی، مسابقات، نمایشگاهِ و جشنواره، اسکان هنرمندان، کارگاه آموزشی، صداگذاری، نور و صدا، پخش فیلم) تدوین گردید. جامعه آماری پرسشنامه ساکنان محله عودلاجان می‌باشند که با توجه جمعیت محله (۱۶۹۴۳ نفر) با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. جهت تحلیل پاسخ شهروندان از تحلیل معادلات ساختاری در نرم آموس گرافیک استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد هنرعمومی دائمی و موقت باعث توسعه اقتصادی، توسعه زیبایی‌شناسی- کالبدی و توسعه اجتماعی-فرهنگی در محله عودلاجان می‌شوند که از این میان در هنرعمومی دائمی شاخص کافه و رستوران بیشترین و پل کمترین تأثیر را دارد. در هنرعمومی موقت نیز شاخص پخش فیلم بیشترین تأثیر و کمترین تأثیر را شاخص صداگذاری دارد.

کلید واژگان: بافت فرسوده، بازآفرینی فرهنگ مبنا، هنرعمومی، محله عودلاجان.

[۱] -**نویسنده مسئول**: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، ۰۹۱۶۵۱۰۷۹۴۹

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

مقدمه

بافت قدیمی و مرکزی شهرها که شالوده‌ی مدنی و تشکیلاتی خود را تا شروع شهرسازی دوره جدید (معاصر) حفظ کرده است، با شروع فعالیت‌های جدید متحول شده و تغییر شکل در نقش ظاهری و درونی آن‌ها به‌شدت حس می گردد؛ به‌گونه‌ایی که بسیاری از بافت‌های سنتی که زمانی مایه‌ی افتخار و مباهات شهرها بوده‌اند، در حال حاضر در معرض فرسایش و تخریب قرار گرفته‌اند (توانا و عابدینی، ۱۳۹۴: ۱). در این پژوهش مراد از بافت‌های فرسوده، بافت‌های دارای میراث فرهنگی(منظور بافت‌های فرسوده‌ای است که علی‌رغم فرسودگی در گستره‌ی آن‌ها، مجموعه فضاها، تأسیسات و تجهیزات شهری با ارزش و یا ترکیبی از آن‌ها وجود دارد) است.

تاکنون برنامه‌های متعددی برای بهسازی بافت‌های فرسوده شهرها مورد استفاده قرار گرفته است، در این راستا رویکردی که امروزه مورد توجه واقع شده، بازآفرینی شهری است که به‌عنوان یک استراتژی جامع، در بردارنده‌ی ارتقای وضعیت این بافت‌ها، با اهدافی همه‌جانبه می‌باشد(عزیزی و بهرا، ۱۳۹۶: ۶). بازآفرینی خود دارای انواع متنوعی است که یکی از آن‌ها بازآفرینی با رویکرد فرهنگ‌مبنا است(صفدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۵-۳۹). در این زمینه یکی از راهکارهای بازآفرینی فرهنگ‌مبنا بهره گیری از پروژه‌های فرهنگی و هنری (هنرعمومی) جهت بهبود کیفیت محلات مسکونی است (Vickery, 2012: 2-9). طبق تعریف میچل (۱۹۹۲) و میلز (۱۹۸۹) هنرعمومی به معنای: "هنر اجرایی که متعلق به مردم است و عملکرد برجسته‌ای را در منظر و مکان‌ها به نمایش می‌گذارد"، است (Remesar, 2005: 137).

به‌طورکلی می‌توان گفت پذیرش هنرعمومی به‌عنوان یک حرفه در خدمت توسعه شهری از دهه‌ی ۱۹۸۰ به صورت جدی آغاز گشت و در اواخر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ فعالیت‌های آن رسماً به تصویب دولت‌ها و سازمان‌های مربوطه رسید و بعد از آن تبدیل به نماد استراتژی بازآفرینی در طول قرن ۲۰ و ۲۱ شد (Mitrachea, 2012: 562-564). در دهه‌های اخیر نیز مطالعات مختلفی در زمینه نقش و تأثیر هنرعمومی در سیاست‌های بازآفرینی صورت گرفته است (Palermo, 2014: 521-545; Sharp et al, 2005: 1004-1007, Ursic, 2014: 1-6, Tornaghi, 2008: 1-6, Zebracki et al, 2016: 786-788; Zheng, 2017: 89-101; Turk, 2014: 16-45). ولی تاکنون به طور خاص به بحث ارزیابی قابلیت‌های استفاده از انواع مختلف هنرعمومی به‌صورت دائمی و موقت در بافت فرسوده دارای ارزش پرداخته نشده است. لذا در پژوهش حاضر با تکیه بر مفاهیم پایه‌ای هنرعمومی سعی بر آن است تا به ارزیابی استفاده از انواع هنرهای عمومی در دو بعد اصلی دائمی و موقت و همچنین میزان اثرگذاری آن‌ها در توسعه اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیبایی‌شناسی-کالبدی به وضعیت محله عودجولان پرداخته شود. عودلاجان از محله‌های قدیمی شهر تهران است که امامزاده یحیی، پامنار و ناصرخسرو را در برمی‌گیرد و از نظر تاریخی، به دلیل وجود بناهای تاریخی متعدد، بسیار غنی است.

بافت تاریخی و با ارزش محله عودلاجان به دلیل فرسودگی مفرط در کالبد و ساختار و کمبود تأسیسات و تجهیزات زیرساختی و امکانات رفاهی در پاسخ‌گویی به نیازهای امروزی شهروندان ضعیف عمل می‌کند. به همین دلیل جمعیت بومی ساکن در این بافت کم‌کم به محلات دیگر شهر که دارای رفاه بیشتری می‌باشند، مهاجرت می‌کنند و مهاجران جدید که اغلب از اقشار کم‌درآمد اجتماع هستند، جایگزین آن‌ها می‌شوند. در نتیجه در پی چنین رخدادی، بی‌ثباتی اجتماعی و فرهنگی در بافت حاکم می‌شود و با گذشت زمان افزایش می‌یابد. در بافت

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

محله عودلاجان تجانس و همگونی فرهنگی وجود ندارد و نظام همسایگی و همبستگی اجتماعی به دلیل افت هویت و اصالت، بسیار ضعیف شده است. با مهاجرت ساکنان اصیل و قدیمی از این بافت تاریخی در طی زمان ارزش‌ها، خاطرات جمعی، هویت و حس تعلق‌خاطر افراد در این بافت‌ها رو به افول می‌گذارد و با فرسودگی فضاها و ایجاد مخروبه‌ها، مکان‌هایی مناسب برای آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌شود. با بررسی مکرر محله عودلاجان و وجود مشکلاتی از قبیل فرسودگی زیاد بافت، خروج ساکنان اصیل، تغییر کاربری واحدهای مسکونی به کاربری‌های ناسازگار، کمبود امکانات رفاهی و خدمات زیرساختی شهری، ضعف در شبکه ارتباطی و معابر و وجود آسیب‌های اجتماعی فراوان، تغییر در بافت برای افزایش پایداری در آن امری ضروری و مهم می‌باشد(کلانتری خلیل آباد و درخشانی، ۱۳۹۳: ۳). در این خصوص پژوهش حاضر جهت رفع مشکلات گفته شده دو هدف اصلی را دنبال می‌کند. هدف اول: ارزیابی بهره‌گیری از قابلیت‌ها و توانایی‌های اجرایی هنر عمومی در محله عودلاجان و هدف دوم میزان تأثیرگذاری هنرعمومی دائمی و موقت در توسعه اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیبایی‌شناسی-کالبدی.

بنابراین فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر است:

- فرضیه اول: قابلیت اجرایی هنر دائمی بر توسعه اقتصادی در محله عودلاجان تأثیر دارد.
- فرضیه دوم: قابلیت اجرایی هنر دائمی بر توسعه زیباشناسی در محله عودلاجان تأثیر دارد.
- فرضیه سوم: قابلیت اجرایی هنر دائمی بر توسعه اجتماعی در محله عودلاجان تأثیر دارد.
- فرضیه چهارم: قابلیت اجرایی هنر موقت بر توسعه اقتصادی در محله عودلاجان تأثیر دارد.
- فرضیه پنجم: قابلیت اجرایی هنر موقت بر توسعه زیباشناسی در محله عودلاجان تأثیر دارد.
- فرضیه ششم: قابلیت اجرایی هنر موقت بر توسعه اجتماعی در محله عودلاجان تأثیر دارد.

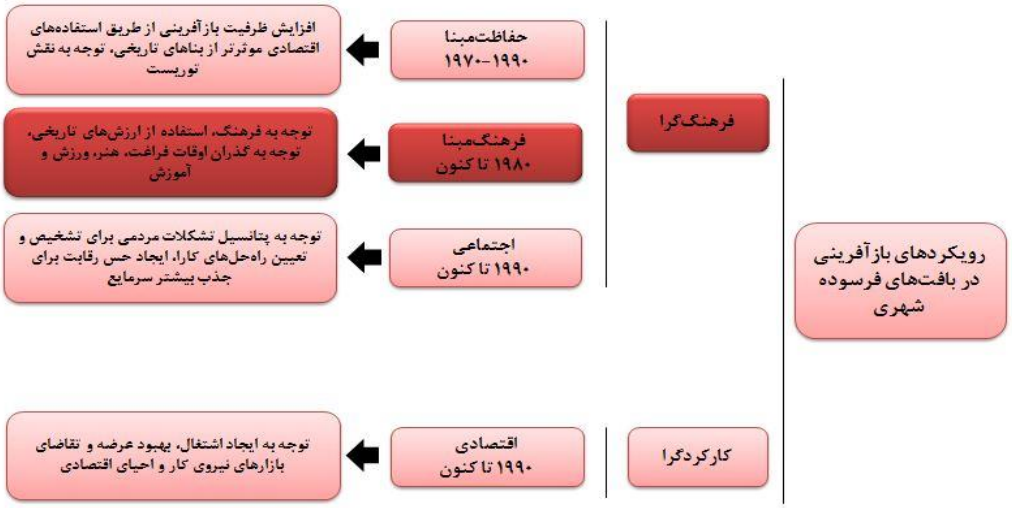
نقش هنر عمومی در بازآفرینی

باتوجه به‌اینکه فرسودگی صرفاً کالبدی نیست و ابعاد مختلفی همچون فرسودگی اقتصادی، بصری، اجتماعی-فرهنگی و ... را در بر دارد، در طول دهه‌های مختلف راه‌حل‌های متنوعی جهت بهبود بافت‌های فرسوده مطرح شد، به‌گونه‌ای که برای بیش از ۵۰ سال، دولت‌های مختلف، در تلاش بوده‌اند تا خلائی که در اثر فروپاشی مراکز فرسوده شهرها رخ داده بود را جبران نمایند (Lees et al, 2015: 245). یکی از این راه‌حل‌ها استفاده از سیاست‌های بازآفرینی است. تعاریف متعددی از بازآفرینی توسط نظریه‌پردازان و سازمان‌های مختلف ارائه گردیده است، بنا بر تعریف رابرت: بازآفرینی شهری راهبرد استراتژیکی برای چالش‌هایی که از طریق رشد شهرنشینی، خود را در جهت احیای شهر در مفهوم سبک زندگی پایدار و انعطاف‌پذیر سوق می‌دهند، تعریف گشته (Robert et al, 1999: 3-9)؛ و برآن است تا ماهیت مکان را از طریق مشارکت ساکنان و ذینفعان، با در نظرگرفتن اهداف و فعالیت‌های مختلف همراه با مشارکت سرمایه‌گذاران تغییر دهد(Goksin and Muderrisoglu, 2005: 5). به عبارتی می‌توان گفت بازآفرینی به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که بحران اقتصادی و اجتماعی و فقر فیزیکی را در مناطقی که نیروی بازار فاقد حمایت دولتی است، کاهش دهد (Cymru, 2013: 2).

در این زمینه معرفی رویکردهای بازآفرینی به‌عنوان ابزاری برای تنظیم مقررات رشد شهری، تأثیر مهمی بر بهبود کیفیت شهری به‌خصوص بافت‌های فرسوده شهری دارد. حل بحران اجتماعی، بحران فرهنگی، بحران اقتصادی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

و بحران زیست‌محیطی ابعادی هستند که بخشی از برنامه‌های بازآفرینی شهری را شامل می‌شوند (Remesar, 2011: 5). به‌طورکلی در دنیای اندیشه پردازی در مورد مداخله در بافت‌های فرسوده شهری، رویکردهای مختلفی در بازآفرینی وجود دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بازآفرینی حفاظت‌مبنا (Pendelbery, 2000: 31-52)، بازآفرینی فرهنگ‌مبنا (Montgomery, 2003: 293-306)، بازآفرینی اجتماعی (شاهوی و سلطانی، ۱۳۸۷: ۶۰۰-۵۹۲)، بازآفرینی اقتصادی (Goksin and Muderrisoglu, 2005: 1-14).. شکل(۱).



شکل(۱). جمع‌بندی رویکردهای بازآفرینی، منبع: نگارندگان

در دهه‌های ۱۹۸۰ طرح‌ها و برنامه‌های اصلی توسعه که عمدتاً به بهبود رقابت اقتصادی و فرهنگی شهرها کمک می‌کرد، توسعه پیدا کرد (Goksin and Muderrisoglu, 2005: 5). به‌گونه‌ای که در این دهه توجه زیادی به توسعه شهری بر مبنای توسعه فرهنگ گشت (Kim, 2015: 337-338). به همین خاطر بسیاری از برنامه‌ها حاکی از اهمیت نقش فرهنگ به‌عنوان سرچشمه‌ایی برای توسعه و همچنین توجه به گذران اوقات فراغت مردم شد (Zhong, 2015: 166). این نوع رویکرد از طریق خط‌مشی‌های فرهنگی با ایجاد مشاغل متنوع، تبلیغ، ترویج محل برگذاری مثل کافه‌ها، رستوران‌ها و...، به‌عنوان تأمین‌کننده منابع اقتصادی تلقی گردید. بدین ترتیب، مداخلات فرهنگی و هنری بیش از آن‌که محصول ثانوی رشد اقتصادی باشند، نیروی محرک آن بودند (Bianchini and Parkinson, 1994: 113). در چنین فضایی، پیش‌بینی توسعه‌های مبتنی بر فعالیت‌های هنری، رویدادهای مهم فرهنگی در هسته درونی شهرها، پیوستار این رویدادها به پیش‌زمینه‌های تاریخی و میراثی به‌منظور توسعه گردشگری فرهنگی و باززنده‌سازی فضاهای شهری مورد توجه قرار می‌گیرد و فرآیندی شکل می‌گیرد که هدف آن بازیابی سرمایه‌های فرهنگی- هنری و به‌کارگیری دوباره‌ی آن در بازآفرینی فضاهای شهری است (لطفی، ۱۳۹۰: ۵۲).

مطالعات اخیر نمایان‌گر این مهم است که هنرعمومی موفقیت‌های بسیاری در برنامه‌های بازآفرینی فرهنگ‌مبنا در سطوح مختلف بین‌المللی داشته به گونه‌ای که نقش هنرعمومی در سیاست‌های فرهنگی، زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و منافع زیبایی‌شناختی، درک و به‌عنوان بخشی از پروژه گسترده‌تر مدیریت شهری و احیا

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

استفاده شده است. از آنجایی‌که موضوع هنر عمومی از دهه ۱۹۸۰ نقش بسیار مهمی در حمایت از بحث‌های بازآفرینی شهر(شامل سه ابعاد فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی) داشته؛ بسیاری از سیاست‌های شهری، هنر عمومی را به‌عنوان راهی برای تبدیل فضا به مکان می‌دانند و از آن به‌عنوان مشارکت‌کنندگان مثبت در بازسازی و بازآفرینی شهرها و محلات استفاده می‌کنند (Palermo, 2014: 521-545; Sharp et al, 2005: 1004-1007). نویسندگان مختلفی همچون بیانچینی (۱۹۹۹)، مرسر (۱۹۹۱، ۱۹۹۶)، ایوانس (۲۰۰۸) بر این باورند که سیاست‌های فرهنگی و هنری به‌عنوان ابزاری ارزشمند برای ایجاد تنوع اقتصادی در محلات شهری فرسوده استفاده می‌شود؛ به گونه‌ای که تمرکز سیاست‌های فرهنگی و هنری در مراکز شهری یا دیگر مناطق، منجر به توسعه‌ی فضایی آن‌ها خواهد شد و تلاش دارند تا "برنامه‌ریزی مبتنی بر فرهنگ و هنر" به جای یک "رویکرد فرهنگی-هنری برنامه‌ریزی و سیاست شهری" مورد استفاده قرار گیرد (Ursic, 2014: 1-6). مطابق با نظر تورانگی سه فاکتور خاص موجب یکپارچه‌سازی هنرعمومی با موضوعات اجتماعی، فرهنگی و بازآفرینی می‌شود شامل:

۱. فرایند مکان‌سازی: به‌عنوان مثال ابتکارات و خلاقیت‌هایی که در بازآفرینی رخ می‌دهد، بر محرومیت‌های جوامع محلی تأثیرگذار است.
۲. ارتباط هنر با فضا: هنرعمومی از طریق ارتباط میان هنر با فضا به‌عنوان فاکتوری مهم در سیاست‌های بازآفرینی تأثیرگذار است.
۳. هنر عمومی قادر است تأثیر بسیار زیادی بر محرومیت‌ها و مشکلات اجتماعی بگذارد (Tornaghi, 2008: 1-6).

اُکاونر (۲۰۰۶) نیز بر اهمیت نقش هنر به‌منظور پاسخ‌گویی به زمینه‌های تاریخی، مکانی و اجتماعی خاص در هر محل تأکید داشته و بر این باور است هنرعمومی باعث افزایش ارزش اقتصادی در شهرها می‌شود. بنابر نظریات دیگر می‌توان گفت هنر عمومی باعث افزایش رفاه، کیفیت فضاها، نشاط در زندگی، امنیت، کاهش ترس عمومی از فضا و تبادل افکار و عقاید مردم در سراسر فضای فیزیکی می‌شود (Palermo, 2014: 521-545; Tornaghi, 2008: 1-6).

به‌دلیل اینکه گفتمان‌های سیاسی هنر معمولاً شامل زیبایی‌شناختی-کالبدی(افزایش کیفیت زیبایی و جذابیت مکان در جهت بازاریابی، ارتقا کیفیت بصری، تشویق به استفاده متمرکز از فضا)، اقتصادی (جذب و افزایش پول سرمایه‌گذاری در هنر و بهبود شرایط بازسازی اقتصادی، ارائه فرصت‌هایی برای بازاریابی، تقویت صنعت گردشگری فرهنگی، ایجاد اشتغال برای هنرمندان، تأمین‌کنندگان حمل‌ونقل و بالا بردن ارزش زمین)، سیاسی (نظارت ایدئولوژیک و توابع آموزشی سیاسی آن)، فرهنگی(آگاهی از تاریخ و هویت محلی، مشارکت در تمایز محلی، توسعه هویت مدنی، برقراری آموزش و ارزش‌ها، ایجاد ارزش نمادین، ترویج هویت ملی و...) و خواسته‌های اجتماعی(توجه به نیازهای جامعه و ارتقاء تعاملات اجتماعی، ریشه‌کن کردن محرومیت‌های اجتماعی، ترویج تغییر اجتماعی با آشکار ساختن تضادهای اجتماعی، کاهش جرم و افزایش امنیت، تشویق به همکاری میان هنرمندان و حرفه‌هایی مانند برنامه‌ریزی و منظرسازی، معماری و...) هستند، بسیاری از شهرها از هنرعمومی جهت بهبود کیفیت زندگی استفاده می کنند (Zebracki et al, 2016: 786-788; Zheng, 2017: 89-101; Turk, 2014: 16-45). با توجه به جنبه‌های گوناگون بازآفرینی فرهنگ‌مبنا: نظیر هنر، ورزش و آموزش که هم به‌عنوان ابزارهای مؤثر جهت بازآفرینی مناطق راکد و هم در شکل‌گیری اهداف اولیه به‌صورت گسترده‌ای در پروژه‌های بازآفرینی مطرح می‌باشند، ذکر این مهم ضروری است که اجرای این پروژه‌ها علاوه بر صرف منابع مالی و

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

اقتصادی، بازگشت سرمایه و صرفه اقتصادی را نیز به دنبال دارند و همچنین جذابیت‌های خاصی را برای حضور مردم و توسعه فعالیت‌های اجتماعی ایجاد می‌نمایند. نهایتاً با توجه به موفقیت‌های چشم‌گیر هنر عمومی در ابعاد مختلف اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیبایی‌شناسی-کالبدی در جدول(۱) دستاوردهای هنر عمومی در سیاست‌های بازآفرینی مطابق با مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه جمع‌آوری گردیده است.

جدول(۱). زمینه‌های اثرگذاری هنر عمومی

شاخص	گویه ها	منابع
اقتصادی	ایجاد فرصت‌های تجاری	Palermo, 2014: 521-545; Sharp et al., 2005: 1004-1007; Zheng, 2017: 89-101; Omar et al., 2016: 515-524; Remesar, 2005: 128-138, Hall and Robertson, 2001: 7; Amnuay-ngerntra, 2016: 90-102
	ایجاد اشتغال	
	تقویت صنعت گردشگری	
	جذب سرمایه	
	افزایش ارزش زمین	
زیبایی‌شناسی- کالبدی	بهبود کیفیت بصری	Omar et al., 2016: 515-524; Zheng, 2017: 89-101
	افزایش جذابیت محلی	
	تشویق به استفاده‌ی متمرکز از فضا	
اجتماعی- فرهنگی	ایجاد فعالیت‌های اجتماعی	Matarasso, 1997; Amnuay-ngerntra, 2016: 90-102; Zebracki et al., 2016: 786-788, Zheng, 2017: 89-101, Turk, 2014: 16-45; Hall and Robertson, 2001: 7; Baklien, 2000: 235-257;
	افزایش اطمینان و همکاری	
	ایجاد تجربه‌ای از اثر جمعی و مشارکت	
	کاهش بزهکاری جوانان و درنتیجه‌ی آن افزایش امنیت	
	ارتقا آموزش و ارزش‌ها	
	ایجاد ارزش نمادین در محلات	
	شناسایی و توجه به نیازهای جامعه	
	بهبود سلامت جسمی و روحی افراد	
	افزایش سطح مهارت‌ها	
	ایجاد اعتمادبه‌نفس	
	افزایش آگاهی	

انواع هنر عمومی

به‌طورکلی انواع مختلفی از هنرعمومی در مقالات و کتب مختلف آمده است، آن‌ها می‌توانند در غالب مبلمان (سطل زباله، وسایل ورزشی، علائم راهنمایی رانندگی، تابلوهای تبلیغاتی، آب‌نما، نرده، تجهیزات روشنایی و ...)، درخت آرایی، نقاشی‌های دیواری، مجسمه، المان‌ها، نمایش‌های خیابانی(موسیقی زنده و تئاترهای خیابانی)، نمایشگاه‌ها، هنرهای دیجیتالی مانند نورپردازی و نمایش فیلم بر دیوار، اسکان هنرمندان، برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات خیابانی باشند (Remesar, 2005: 128-138; Ranney, 2012: 23; Jo Landi, 2012: 6-15; Jasmi and Mohamad, 2016: 872-879; lakhanpal, 2013: 4-30). با توجه به انواع متنوع هنرعمومی دسته‌بندی‌های مختلفی از جانب نظریه‌پردازان ارائه شده است که یکی از آن‌ها از نظر بازه زمانی (موقت و دائمی) می‌باشد جدول(۲).

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

جدول(۲). معرفی ابعاد هنر عمومی

ابعاد	شرح
دائمی	در زمان نامحدود، در مکانی مشخص و با هدفی ثابت، هنر عمومی در فضاهای شهری به نمایش گذاشته و جز جدایی‌ناپذیر آن محسوب می‌شود (City of London Public Art Program, 2009: 1-18).
موقت	در زمان و مکانی مشخص، رویداد هنری شکل می‌گیرد و هدف مشخص و از پیش تعیین‌شده دارد (City of London Public Art Program, 2009: 1-18). هنر کوتاه‌مدت در زمان خاص (Lakhanpal, 2013: 4-30)

تجارب جهانی بهره‌گیری از گونه‌های مختلف هنرعمومی در سیاست‌های بازآفرینی

در سال‌های گذشته تجارب عملی متعددی در زمینه‌ی بهره‌گیری از هنرعمومی در بازآفرینی در کشورهای آمریکا آسیا و اروپا صورت گرفته است. از نمونه این تجارب می‌توان به طرح ققنوس(۱۹۹۷) در شهر کاونتری واقع در انگستان اشاره کرد. در این پروژه با طراحی پارک، پل، ورودی محله، پیاده‌راه، مرمت بناهای تاریخی، ایجاد خرده‌فروشی‌های متعدد و همچنین با تغییر کاربری در محله کاونتری باعث ایجاد حس مکان، هویتمندی، افزایش کیفیت زندگی، ایجاد فرصت جهت برگزاری کنسرت‌ها و نمایش‌های خیابانی و دیگر رویدادهای فرهنگی، رونق اقتصادی و همچنین افزایش جمعیت شد (Phoenix Initiative Coventry, 2003: 1-10). در سال ۱۹۷۰ در آمریکا کشور منهتن پروژه‌ای با عنوان سوهو در محله سوهو از طریق اسکان هنرمندان، برگزاری کنسرت، نمایشگاه و گالری منجر به افزایش خرید و فروش، افزایش قیمت زمین، افزایش سرزندگی در محله گردید (Ranney, 2012: 23). در تجربه‌ی مشابه دیگر در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۸ در ژاپن پروژه‌ای با عنوان کافه هنر سنبا از طریق برگزاری رویدادهای هنری مانند فستیوال‌های موسیقی بومی و کنسرت‌های بین‌المللی، همچنین احداث کافه و رستوران در بام منازل مسکونی، منجر به افزایش مشارکت، افزایش تعامل میان مردم و دولت، ایجاد سرزندگی، رونق اقتصادی، افزایش جمعیت در سطح محدوده شده است (kana, 2012: 151-163). در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۱ در کره‌جنوبی پروژه‌ی هنری ساملای واقع در روستای جئولا از طریق احداث گالری‌ها، نمایشگاه‌ها، تغییر کاربری تعدادی از بناها به کافه، کارگاه‌های آموزشی، کتابخانه و موزه باعث افزایش جمعیت، رونق اقتصادی، ایجاد مشارکت شد (Kim, 2015: 337-342). در سال ۲۰۱۰ نیز در کشور مالزی پروژه‌های متنوعی در خصوص استفاده از گونه‌های مختلف هنرعمومی مانند نقاشی‌دیواری، مجسمه و المان، مبلمان، استفاده از گیاهان رونده در جداره‌های شهری طراحی گشت که باعث افزایش مشارکت، افزایش تعامل میان مردم و دولت و شرکت‌های خصوصی، جذب گردشگر، افزایش تجمع پذیری و ایجاد سرزندگی شد (Jasmi and Mohamad, 2016: 872-880; Omar et al., 2016: 515-524; Abu Bakar et al, 2014: 230- 241). با توجه به مطالعات نظری و تجارب جهانی شاخص های پژوهش در جدول(۳) آمده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

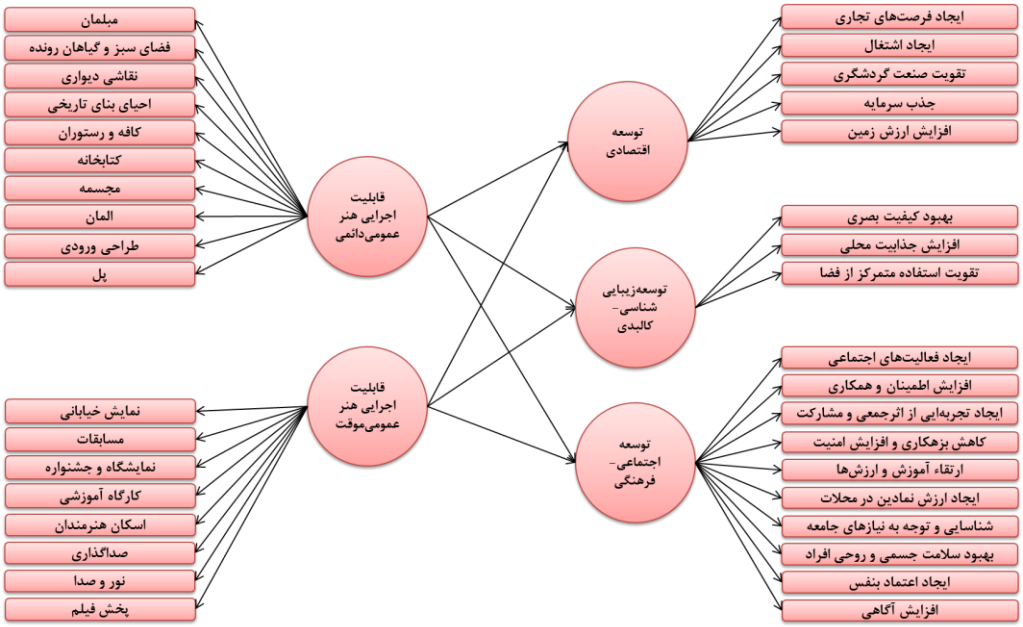
جدول(۳). شاخص‌های هنر عمومی

ابعاد	شاخص	Jasmi and Mohamad, 2015	Remesar, 2005	Kana, 2012	Palermo, 2014	Bakar et al., 2014	Ni and Teng, 2012	Kim, 2015	Jarden, 2010	Hall and Robertson, 2001	Blackman, 2011	Mikulay, 2007	Phoenix Initiative Coventry, 2003	Ranney, 2012	Tornaghi, 2008	Omar et al., 2016	Bovaird, 1998	Landi, 2012	Becker, 2004
هنر دائمی	مبلمان	*	*		*		*		*		*		*				*	*	*
	فضای سبز و گیاهان رونده		*			*	*		*	*		*	*		*			*	*
	نقاشی دیواری	*							*		*					*		*	*
	احیای بنای تاریخی		*										*						
	کافه و رستوران			*									*						
	کتابخانه							*											
	مجسمه	*	*			*	*		*	*	*	*	*		*		*		
	المان	*	*			*			*	*	*	*			*		*	*	
	طراحی ورودی												*				*		
	پل												*						
هنر موقت	نمایش خیابانی			*					*			*	*	*	*			*	
	مسابقات			*				*							*				
	نمایشگاه و جشنواره			*	*			*			*	*		*	*				
	اسکان هنرمندان				*									*					
	کارگاه آموزشی			*				*											
	صداگذاری												*						
	نور و صدا	*							*				*						*
	پخش فیلم	*																	

در ادامه با توجه به گونه‌های مختلف هنرعمومی جمع‌آوری شده از مطالعات نظری، تجارب جهانی و دستاوردهای آن در ابعاد اجتماعی-فرهنگی، زیبایی‌شناسی- کالبدی و اقتصادی مدل مفهومی پژوهش حاضر به صورت شکل(۲) قابل‌ارائه است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]



شکل(۲). مدل مفهومی پژوهش

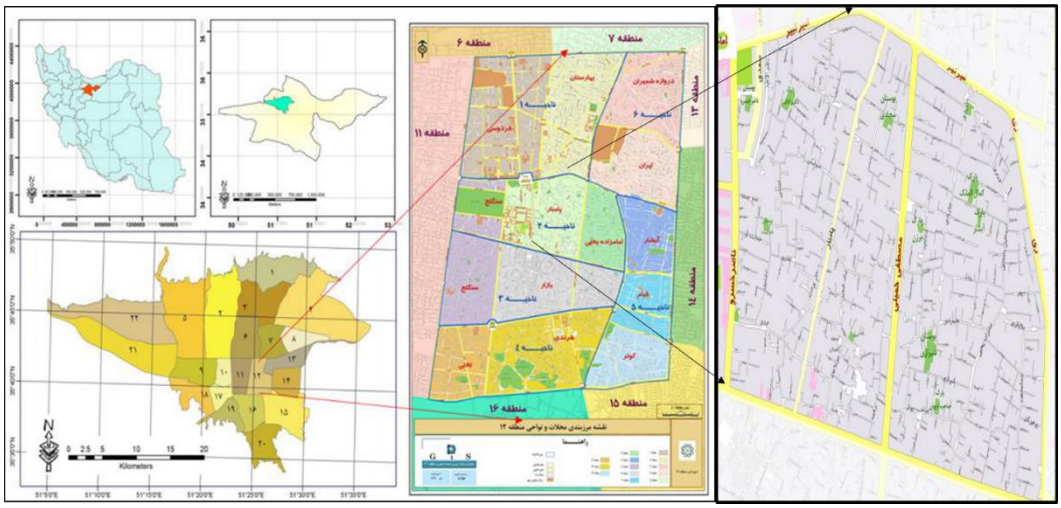
روش تحقیق

معرفی محدوده مورد مطالعه

محدوده‌ی پژوهش، محله‌ی تاریخی عودلاجان است که امروزه در منطقه‌ی ۱۲ شهر تهران واقع شده و از شمال به خیابان امیرکبیر، از شرق به خیابان ری، از غرب به خیابان ناصرخسرو و از جنوب به خیابان پانزده خرداد محدود می‌شود و مساحت آن حدود ۱۵۰ هکتار است. عودلاجان یکی از پنج محله تهران عهد صفوی است که به همراه محلات ارگ، سنگلج، چاله‌میدان و بازار، شهر قدیم را تشکیل می‌دادند. امروز این محله در سه بخش مجزا قابل‌شناسایی است: محله امامزاده یحیی (در شرق)، محله پامنار(در مرکز) و محله ناصرخسرو(در غرب) در این پژوهش مطالعه بر روی کل محدوده محله‌ی عودلاجان، شامل بخش‌های شرقی، میانی و غربی انجام می‌شود شکل(۳). محله‌ی عودلاجان از مناطق اعیان‌نشین تهران در دوره‌ی قاجاری بوده و از همان دوران، نوعی پیوند عمیق بین تاجران در محله و دیگر بافت‌های اجتماعی، مذهبی و ... وجود داشته است. این پیوند هرچند در اثر تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی در سال‌های بعد انقلاب اسلامی تضعیف‌شده است، اما هنوز هم می‌توان چنین پیوندی را در قالب‌های دیگر مشاهده نمود. بنابراین می‌توان گفت که بین تاریخ محلی محله‌ی عودلاجان و کنش‌های اقتصادی موجود در آن، یک پیوند تاریخی عمیق وجود داشته که این خود، زمینه و بستری را برای شکل‌گیری ساختار اقتصادی خاص محله‌ی عودلاجان فراهم نموده است(رضایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۰-۹۱).

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]



شکل(۳). موقعیت محله عودلاجان در منطقه ۱۲ شهر تهران

داده و روش کار

این پژوهش ازنظر هدف "کاربردی" و ازنظر نحوه گردآوری داده‌ها، "توصیفی، پیمایشی" است. شاخص‌های تحقیق با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی تحقیقات مرتبط تدوین‌شده است. در این پژوهش از دو بعد هنر عمومی با دو شاخص هنر دائمی و هنر موقت و ابعاد اثرات هنر عمومی (اقتصادی، زیبایی شناسی-کالبدی، اجتماعی) استفاده‌شده است. جهت بررسی شاخص هنر عمومی دائمی از ۱۰ گویه، شاخص هنر موقت از ۶ گویه، شاخص اقتصادی از ۵ گویه، شاخص زیباشناسی از ۳ گویه و نهایتا شاخص اجتماعی از ۱۱ گویه استفاده شد. روش گردآوری اطلاعات ابزار پرسشنامه است. جامعه آماری ساکنان محله عودلاجان با جمعیت ۱۶۹۴۳ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر بدست آمد. مقیاس اندازه‌گیری براساس طیف لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد و نحوه نمره‌دهی پرسش‌ها نیز از نمره ۱ تا ۵ بوده است. برای تحلیل اطلاعات از روش های آماری و نرم‌افزار spss و آموس گرافیک ۲۴ استفاده شده است. به‌منظور بررسی پایایی تحقیق نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده‌شده است جدول(۴).

جدول(۴). بررسی پایایی متغیرهای تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ

هنر دائمی	هنر موقت	توسعه اقتصادی	توسعه زیباشناسی-کالبدی	توسعه اجتماعی
۰,۷۹۰	۰,۸۱۱	۰,۸۰۲	۰,۸۰۵	۰,۸۱۳

با توجه جدول(۴) نتیجه آزمون آلفای کرونباخ در ابعاد پژوهش بالاتر از ۰,۷ قرار گرفته است، بنابراین پایایی تائید می‌گردد. جهت تحلیل داده‌ها و بررسی فرضیه‌های پژوهش از تکنیک معادلات ساختاری استفاده‌شده است. تجزیه‌وتحلیل ساختارهای کوواریانس یا همان مدل‌یابی معادلات ساختاری یکی از اصلی‌ترین روش‌های تجزیه‌وتحلیل ساختار داده‌های پیچیده و یکی از روش‌های نو برای بررسی روابط علت و معلولی است و به معنی تجزیه‌وتحلیل متغیرهای مختلفی است که در یک ساختار مبتنی بر تئوری، تأثیرات هم‌زمان متغیرها را به هم

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

نشان می‌دهد. از طریق این روش می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های خاص با استفاده از داده‌های همبستگی، غیرآزمایشی و آزمایشی آزمود. در این پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده‌شده است. مدل‌سازی معادلات ساختاری، تکنیک آماری قدرتمندی است که مدل اندازه‌گیری (تحلیلی عاملی تأییدی) و ساختاری (رگرسیون یا تحلیل مسیر) را با یک آزمون آماری هم‌زمان ترکیب می‌کند. از طریق این فنون پژوهشگران می‌توانند ساختارهای فرضی (مدل‌ها) را رد یا انطباق آن‌ها را با داده‌ها تأیید کنند. در این زمینه نرم‌افزار مورداستفاده جهت تحلیل داده ها بهره گیری از آموس گرافیک می باشد.

نتایج

مشخصات پاسخگویان بدین صورت می‌باشد که در طبقات سنی، ۴ درصد زیر ۲۰ سال، ۳۰ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۴۱ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۱۸ درصد بین ۴۰ تا ۵۰ سال و در طبقه بالای ۵۰ سال ۷ به سوالات تحقیق پاسخ دادند. پاسخ دهندگان ۶۸ درصد مرد و ۳۲ درصد زن می باشند. در بررسی وضعیت اشتغال بالاترین درصد (۳۷) مربوط به گروه شغل آزاد و کمترین درصد (۷) مربوط به گروه محصل است. بررسی وضعیت تحصیلات نشان می‌دهد که ۳۲ درصد تحصیلات دیپلم و ۶ درصد تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر، به ترتیب بیشترین و کمترین درصد را بین گروه‌های تحصیلی داشتند. مشخصات پاسخگویان در جدول(۵) ارائه‌شده است.

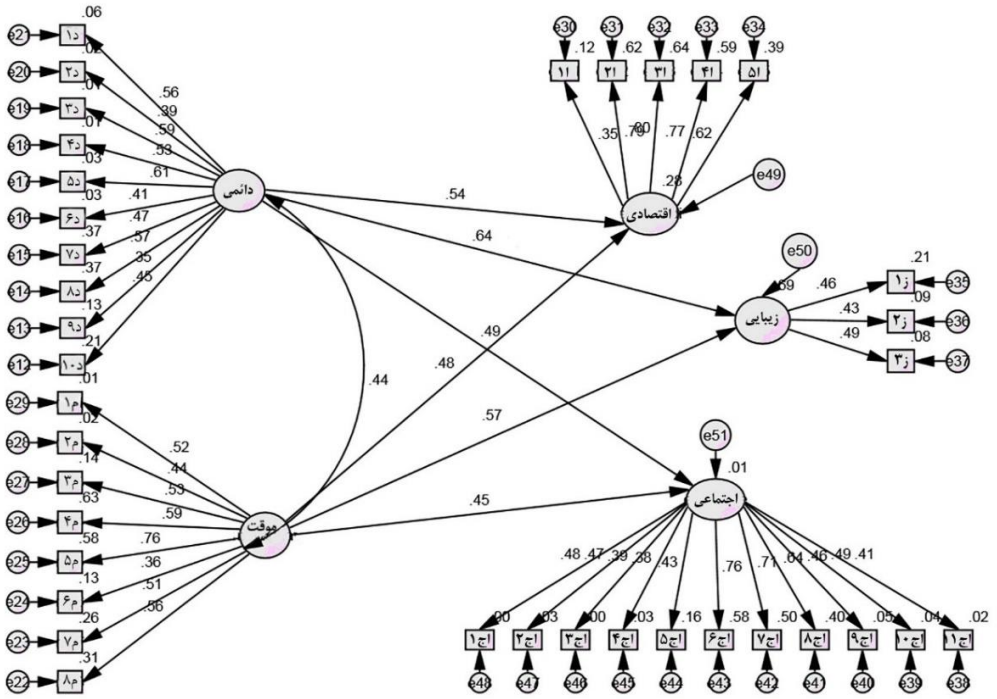
جدول(۵). مشخصات پاسخگویان

مؤلفه توصیفی	گروه‌ها	فراوانی	درصد
سن	زیر ۲۰ سال	۱۵	۴
	۲۰ تا ۳۰ سال	۱۱۷	۳۰
	۳۰ تا ۴۰ سال	۱۵۹	۴۱
	۴۰ تا ۵۰ سال	۶۸	۱۸
	بالای ۵۰ سال	۲۵	۷
جنس	مرد	۲۶۱	۶۸
	زن	۱۲۳	۳۲
اشتغال	دولتی	۳۱	۸
	خصوصی	۹۶	۲۵
	آزاد	۱۴۲	۳۷
	بیکار	۵۳	۱۴
	محصل	۲۷	۷
	خانه‌دار	۳۵	۹
تحصیلات	زیر دیپلم	۹۲	۲۴
	دیپلم	۱۲۳	۳۲
	فوق‌دیپلم	۹۳	۲۴
	لیسانس	۵۳	۱۴
	فوق‌لیسانس و بالاتر	۲۳	۶

بار عاملی هر متغیر با شاخص‌های مشاهده‌پذیر و تأثیرات متغیرهای پنهان (برونداد، مستقل) بر متغیر درونداد (وابسته) محاسبه شده که در شکل(۴) ملاحظه می‌شود.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]



شکل(۴). مدل‌سازی معادلات ساختاری اثرات هنر عمومی

جهت بررسی هنردائمی از ۱۰ شاخص مشاهده‌پذیر مبلمان، فضای سبز و گیاهان رونده، نقاشی‌دیواری، احیای بنای تاریخی، کافه و رستوران، کتابخانه، مجسمه، المان، طراحی ورودی و پل استفاده‌شده است. طبق نتایج به دست آمده جدول(۶) بالاترین میزان بار عاملی مربوط به شاخص کافه و رستوران و سپس به ترتیب شاخص‌های فضای سبز و گیاهان رونده، مبلمان، نقاشی‌دیواری، المان، مجسمه، احیای بنای تاریخی، طراحی ورودی است و کمترین میزان قابلیت اجرایی را شاخص پل دارد. جهت سنجش هنر موقت از ۸ شاخص شامل نمایش خیابانی، مسابقات، نمایشگاه و جشنواره، اسکان هنرمندان، کارگاه آموزشی، صداگذاری، نور و صدا و پخش فیلم بهره گرفته شد. بارهای عاملی به‌دست‌آمده حاکی از این است که شاخص پخش فیلم بالاترین قابلیت اجرایی و پایین‌ترین میزان بار عاملی را نیز شاخص صداگذاری به دست آورده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

جدول(۶). ضرایب محاسبه‌شده متغیر هنر عمومی

متغیر پنهان	شاخص مشاهده‌پذیر	نشانگر	ضریب محاسبه‌شده	معنی‌داری (p)
هنر دائمی	نقاشی دیواری	د۱	۰,۵۶	***
	پل	د۲	۰,۳۹	***
	فضای سبز، درختکاری و گیاهان رونده	د۳	۰,۵۹	***
	المان	د۴	۰,۵۳	***
	کافه و رستوران	د۵	۰,۶۱	***
	ورودی	د۶	۰,۴۱	***
	مجسمه	د۷	۰,۴۷	***
	مبلمان	د۸	۰,۵۷	***
	کتابخانه	د۹	۰,۳۵	***
	احیای بنای تاریخی	د۱۰	۰,۴۵	***
هنر موقت	اسکان هنرمندان	م۱	۰,۵۲	***
	نور و صداگذاری	م۲	۰,۴۴	***
	مسابقات	م۳	۰,۵۳	***
	کارگاه آموزشی	م۴	۰,۵۹	***
	پخش فیلم	م۵	۰,۷۶	***
	صداگذاری	م۶	۰,۳۶	***
	نمایش خیابانی	م۷	۰,۵۱	***
	نمایشگاه و جشنواره	م۸	۰,۵۶	***

در بخش ابعادی که تحت تأثیر هنرعمومی می‌باشند بعد اقتصادی با ۵ شاخص ایجاد فرصت‌های تجاری، ایجاد اشتغال، تقویت صنعت گردشگری، جذب سرمایه، افزایش ارزش زمین موردبررسی قرارگرفته که میزان بار عاملی به‌دست‌آمده جدول(۷) به ترتیب از بالاترین تا کمترین شامل تقویت صنعت گردشگری، ایجاد اشتغال، ایجاد فرصت‌های تجاری، افزایش ارزش زمین و جذب سرمایه می‌باشد. در بُعد زیباشناسی-کالبدی بیشترین بار عاملی را تشویق به استفاده متمرکز از فضا و کمترین را افزایش جذابیت محلی به دست آورده است. ترتیب اهمیت شاخص‌های بعد اجتماعی از نظر میزان بار عاملی به‌ترتیب شامل ایجاد ارزش نمادین، ایجاد فعالیت‌های اجتماعی، افزایش اطمینان و همکاری، ایجاد تجربه‌ای از اثر جمعی، ارتقا آموزش و ارزش‌ها، کاهش بزهکاری جوانان و درنتیجه‌ی آن افزایش امنیت، شناسایی و توجه به نیازهای جامعه، افزایش سطح مهارت‌ها، افزایش آگاهی، ایجاد اعتماد به نفس و بهبود سلامت جسمی و روحی افراد می‌باشد.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

جدول(۷). ضرایب محاسبه‌شده متغیر تأثیرات هنر عمومی (ابعاد اقتصادی، زیباشناسی-کالبدی، اجتماعی)

متغیر پنهان	شاخص مشاهده‌پذیر	نشانگر	ضریب محاسبه‌شده	معنی‌داری (p)
اقتصادی	جذب سرمایه	ا۱	۰,۳۵	***
	ایجاد فرصت‌های تجاری	ا۲	۰,۷۵	***
	تقویت صنعت گردشگری	ا۳	۰,۸۰	***
	ایجاد اشتغال	ا۴	۰,۷۷	***
	افزایش ارزش زمین	ا۵	۰,۶۲	***
زیبایی‌شناسی-کالبدی	بهبود کیفیت بصری	ز۱	۰,۴۶	***
	افزایش جذابیت محلی	ز۲	۰,۴۳	***
	تشویق به استفاده‌ی متمرکز از فضا	ز۳	۰,۴۹	***
اجتماعی-فرهنگی	ارتقا آموزش و ارزش‌ها	اج۱	۰,۴۸	***
	کاهش بزهکاری جوانان و درنتیجه‌ی آن افزایش امنیت	اج۲	۰,۴۷	***
	ایجاد اعتمادبه‌نفس	اج۳	۰,۳۹	***
	بهبود سلامت جسمی و روحی افراد	اج۴	۰,۳۸	***
	افزایش سطح مهارت‌ها	اج۵	۰,۴۵	***
	ایجاد ارزش نمادین در محلات	اج۶	۰,۷۶	***
	ایجاد فعالیت‌های اجتماعی	اج۷	۰,۷۱	***
	افزایش اطمینان و همکاری	اج۸	۰,۶۴	***
	شناسایی و توجه به نیازهای جامعه	اج۹	۰,۴۶	***
	ایجاد تجربه‌ای از اثر جمعی و مشارکت	اج۱۰	۰,۴۹	***
	افزایش آگاهی	اج۱۱	۰,۴۱	***

نتیجه بررسی فرضیه‌ها در جدول(۸) ارائه گردید با توجه به نتایج می‌توان گفت میزان تأثیر (بار عاملی) متغیر هنر دائمی بر توسعه اقتصادی ۰,۵۴، هنردائمی بر زیباشناسی ۰,۵۷، هنردائمی بر توسعه اجتماعی ۰,۴۹ به دست آمده است. میزان تأثیر متغیر هنرموقت نیز بر توسعه اقتصادی، توسعه زیباشناسی-کالبدی و توسعه اجتماعی به‌ترتیب ۰,۴۸، ۰,۶۴، ۰,۴۵ به دست آمد.

جدول(۸). بررسی نتیجه فرضیه‌های تحقیق

فرضیه	ضریب تأثیر
قابلیت اجرایی هنر دائمی بر توسعه اقتصادی	۰,۵۴
قابلیت اجرایی هنر دائمی بر توسعه زیباشناسی	۰,۶۴
قابلیت اجرایی هنر دائمی بر توسعه اجتماعی	۰,۴۹
قابلیت اجرایی هنر موقت بر توسعه اقتصادی	۰,۴۸
قابلیت اجرایی هنر موقت بر توسعه زیباشناسی	۰,۵۷
قابلیت اجرایی هنر موقت بر توسعه اجتماعی	۰,۴۵

به‌منظور برر سی معتبر بودن مدل از شاخص‌های کلی برازش ا ستفاده گردید. شاخص‌های برازش به چهار نوع مطلق، ن سبی، موجز و تطبیقی تق سیم می شوند. در زمینه شاخص‌های مطلق باید گفت که شاخص خی دو

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

(cmin) با مقدار ۱۹۴۲,۷۹۷ و مقدار P برابر با ۰,۰۵۳ نتایج مطلوبی را در ارتباط با مدل موردبررسی ارائه می‌دهد. در رابطه با شاخص‌های نسبی باید گفت که مقدار ۰,۰۳۹ برای شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده (RMSEA) مدل موردبررسی را در وضعیت مطلوبی گزارش می‌کند. همچنین مقدار خی دو نسبی (CMIN/DF) برابر با ۲,۳۶ به‌دست‌آمده و این مقدار نیز حکایت از وضعیت قابل‌قبول برای مدل می‌باشد. شاخص‌های موجز (مقتصد) PNFI و PCFI که در اصل میزان پیچیدگی مدل را برای مبنای تعداد پارامترهای تخمین زده شده و اجتناب مدل از گنجاندن پارامترهای اضافی را مورد سنجش قرار می‌دهد به ترتیب با مقادیر ۰,۵۵۷ و ۰,۵۵۳ (به سبب مقدار بزرگ‌تر از ۰,۵) بیانگر تناسب مدل می‌باشند. شاخص‌های تطبیقی IFI و CFI که میزان انطباق مدل بررسی‌شده با داده‌های موجود را نشان می دهند به ترتیب با مقادیر ۰,۹۰۳ و ۰,۹۰۲ نیکویی برازش مدل را تایید می کنند(شاخص بالاتر از ۰,۹) جدول(۹).

جدول(۹). شاخص‌های نیکویی برازش مدل

نوع شاخص	شاخص	مقدار به‌دست‌آمده	مقدار قابل تائید	نتیجه
مطلق	CMIN	۱۹۴۲,۷۹۷	مقدار p بزرگ‌تر از ۰,۰۵	تائید نیکویی برازش
	DF	۸۲۲		
	P	۰,۰۵۳		
نسبی	RMSEA	۰,۰۳۹	کوچک‌تر از ۰,۰۵	تائید نیکویی برازش
	CMIN/DF	۲/۳۶	مقدار بین ۱ تا ۳	تائید نیکویی برازش
موجز (مقتصد)	PNFI	۰,۵۵۷	مقدار بزرگ‌تر از ۰,۰۵	تائید نیکویی برازش
	PCFI	۰,۵۵۳	مقدار بزرگ‌تر از ۰,۰۵	تائید نیکویی برازش
تطبیقی	IFI	۰,۹۰۳	مقدار بزرگ‌تر از ۰,۹	تائید نیکویی برازش
	CFI	۰,۹۰۲	مقدار بزرگ‌تر از ۰,۹	تائید نیکویی برازش

نتیجه‌گیری

از مسائل و مشکلات مهم در بسیاری شهرهای کشور از جمله تهران(محله‌ی عودلاجان)، وجود بافت‌های فرسوده است که مشکلات متعددی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فرهنگی ایجاد کرده اند. از جمله این مشکلات می‌توان به تغییر کاربری از مسکونی به انبارها، خالی شدن سکنه، مهاجرت افراد بومی و جایگزینی آن با افراد غیر بومی اشاره کرد. در جهت حل مسائل و مشکلات گفته شده بازآفرینی یکی از راهکارهای نوین در سیاست‌های شهری است که منجر به حل‌وفصل مسائل شهری در جهت بهبود مستمر در زمینه‌های اقتصادی، فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌شود. بازآفرینی خود دارای رویکردهای مختلفی همچون: حفاظت مبنا، اجتماعی، اقتصادی و ... است. آنچه در این پژوهش مورد مطالعه و تأکید قرار گرفت رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا است که توجه به فرهنگ، استفاده از ارزش‌های تاریخی، توجه به گذران اوقات فراغت، هنر، ورزش و آموزش را در دستور کار خود قرار می‌دهد.

نتایج حاصل از پرسشنامه که از طریق مدل معادلات ساختاری بررسی و مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت حاکی از آن بود که در زمینه قابلیت اجرایی هنر عمومی به صورت دائمی شاخص کافه و رستوران (۰,۶۱) دارای بالاترین امتیاز و سپس شاخص های فضای سبز، درختکاری و استفاده از گیاهان رونده (۰,۵۹) و مبلمان (۰,۵۷) به ترتیب در

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

مراتب بعدی قرار گرفته‌اند. این یافته همسو با نظر برخی متخصصین و تجارب خارجی بود (kana, 2012: 151-163; Falihin Jasmi and Nik Mohamad, 2016: 872-880; Palermo, 2014: 521-545; Ni and Teng, 2012; Abu Bakar et al, 2014: 230- 241). همچنین شاخص های احیای بنای تاریخی (۰,۴۵)، طراحی ورودی (۰,۴۱) و پل (۰,۳۹) دارای کمترین امتیاز بودند، این یافته با برخی تجارب خارجی مغایرت داشت (Phoenix Initiative Coventry, 2003: 1-10;).

در زمینه‌ی قابلیت اجرایی هنر عمومی موقت نیز شاخص های پخش فیلم (۰,۷۶)، کارگاه آموزشی (۰,۵۹)، نمایشگاه و جشنواره (۰,۵۶) به ترتیب در اولویت اول تا سوم جهت اجرا را داشتند. این یافته با برخی پژوهش‌های خارجی سازگار است (Kim, 2015: 337-342; Falihin Jasmi and Nik Mohamad, 2016: 872-880; Ranney, 2012: 23). شاخص های نمایش‌های خیابانی (۰,۵۱)، نور و صدا (۰,۴۴) و صداگذاری (۰,۳۶) دارای کمترین امتیاز بودند که این یافته با برخی پژوهش‌های خارجی مغایرت داشته است (Phoenix Initiative Coventry, 2003: 1-10; Ranney, 2012: 23).

در راستای دستیابی به هدف دوم پژوهش: میزان تأثیرگذاری هنر عمومی دائمی و موقت در توسعه اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیبایی‌شناسی-کالبدی محله عودلاجان، ۶ فرضیه طرح شد که نتایج حاصل از تجزیه‌وتحلیل مدل ساختاری نشان داد فرضیه اول با بار عاملی ۰,۵۴، فرضیه دوم با بار عاملی ۰,۶۴، فرضیه سوم با بار عاملی ۰,۴۹، فرضیه چهارم با بار عاملی ۰,۴۸، فرضیه پنجم با بار عاملی ۰,۵۷ و نهایتاً فرضیه ششم با بار عاملی ۰,۴۵ مورد تائید قرار گرفتند که نتایج آن همسو با برخی نظریه‌پردازان بود (Palermo, 2014: 521-545; Sharp et al., 2005: 1004-1007; Zheng, 2017: 89-101; Omar et al., 2016: 515-524; Remesar, 2005: 128-138, Hall and Robertson, 2001: 7; Amnuay-ngerntra, 2016: 90-102; Zebracki et al., 2016: 786-788, Zheng, 2017: 89-101, Turk, 2014: 16-45; Falihin Jasmi and Nik Mohamad, 2016: 872-880; Kim, 2015: 337-342; Phoenix Initiative Coventry, 2003: 1-10).

یافته‌های تحقیق حاکی از این است که وضعیت محله عودلاجان در منطقه ۱۲ شهر تهران تحت تأثیر عوامل هنرعمومی دائمی و موقت قابل‌تغییر است به‌گونه‌ایی که با استفاده از هنرعمومی در محله عودلاجان می‌توان از زوال کالبدی و اجتماعی محله جلوگیری کرد. در واقع با بهره‌گیری از هنر عمومی که زیر مجموعه رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا قرار می‌گیرد می‌توان تا حد زیادی مسائل و مشکلات محله در ابعاد اقتصادی، زیبایی‌شناسی-کالبدی و اجتماعی-فرهنگی محله را بهبود بخشید. اجرای هنر دائمی مانند فضای سبز، المان و کافه و رستوران و همچنین هنر موقت مانند پخش فیلم، نمایش‌های خیابانی، برگزاری نمایشگاه‌ها، مسابقات باعث تغییر منظر فرسوده بافت می‌شود که درپی آن افزایش گردشگر و تمایل ساکنان به سکونت در بافت بیشتر می‌شود. همچنین اجرای این پروژه‌ها به دو صورت دائمی و موقت باعث ایجاد زمینه‌های شغلی برای ساکنان فقیر و مهاجرنشین محدوده می‌گردد که به موجب آن باعث افزایش رونق اقتصادی در محله می‌شود. با توجه به این‌که در محله عودلاجان به سبب فرسودگی، سود حاصل از ساخت‌وساز برای سرمایه‌گذاران بسیار کم است بنابراین با ایجاد تغییرات در بافت با بهره‌گیری از راهکارهای هنرعمومی وضعیت محله تغییر خواهد کرد و زمینه‌ایی برای حضور سرمایه‌گذاران فراهم می‌شود. از پتانسیل‌های موجود در بافت کالبدی محله عودلاجان وجود زمین‌های بایر است که این امکان را برای اجرای هنرعمومی فراهم می‌کند. به علاوه بافت محله دارای بناهای تاریخی و ارزشمند (خانه همسر امیرکبیر، عمه ناصرالدین‌شاه و...) است که اجرای هنرعمومی به خصوص هنرموقت(نمایش خیابانی، نور و صداگذاری ...) می‌تواند جاذب جمعیت باشد؛ با

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

توجه به نیازمندی های محله، ضرورت شاخصی مانند طراحی فضای سبز نیز ضروری است. نهایتاً با توجه به توضیحات فوق و دستاوردهای پژوهش می‌توان گفت اجرای هنر عمومی در بافت فرسوده محله عودلاجان چند هدف را تحقق خواهد بخشید که این پروژه‌ها سبب تحقق استراتژی توسعه گردشگری بافت‌های تاریخی شهر تهران نیز می‌گردد.

منابع

توانا، مصطفی؛ عابدینی، احمد، (۱۳۹۴)، **بازآفرینی بافت فرسوده شهر با رویکرد توسعه پایدار و مشارکت مردمی (نمونه موردمطالعه: محله‌ی سیروس)**، دومین کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار، ۱-۱.

رضایی، احمد، علیزاده، توحید، محمدی، نریمان، (۱۳۹۴)، **عودلوجان به مثابه مازاد بازار بررسی جامعه‌شناسی ساختار اقتصادی محله‌ی عودلاجان تهران**، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۶(۱۷): ۱۱۸-۸۹.

شاهوی، سیروان، سلطانی، علی، (۱۳۸۷)، **مداخله در بافت‌های فرسوده شهری با بهره‌گیری از رویکرد بازآفرینی شهری**، اولین همایش بافت‌های فرسوده شهری، چشم‌انداز توسعه پایدار: ارزش‌ها و چالش‌ها، ۵۹۲-۶۰۰.

صفدری، سیما، پورجعفر، محمدرضا، رنجبر، احسان، (۱۳۹۳)، **بازآفرینی فرهنگ مبنا زمینه‌ساز ارتقا تعاملات فرهنگی (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر مشهد)**، هفت شهر، ۴۷-۴۸، ۲۵-۳۹

عزیزی، محمدمهدی، بهرا، بهاره، (۱۳۹۶)، **نقش پروژه‌های محرک توسعه در بازآفرینی بافت مرکزی شهرها نمونه مطالعاتی: بافت تاریخی شهر یزد**، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱۱(۴) ۵-۱۶.

کلانتری خلیل آباد، حسین، درخشانی، نجلا. (۱۳۹۳)، **راهبردهای پایداری کالبدی _ اجتماعی در محلات تاریخی (مطالعه موردی محله عودلاجان تهران)**، مطالعات شهری، ۳(۱۰): ۱۴-۳.

لطفی، سهند، (۱۳۹۰)، **بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی**، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۴۵: ۶۰-۴۷.

Amnuay-ngerntra, S. (2016). **Community Development through Public Art Event in Ratchaburi, Thailand**. In Managing and Developing Communities, Festivals and Events (pp. 90-102). Palgrave Macmillan, London.

Bakar, N. I. A., Mansor, M., & Harun, N. Z. (2014). **Vertical Greenery System as Public Art? Possibilities and challenges in Malaysian urban context**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 153, 230-241

Baklien, B. (2000). **Culture is healthy. International** Journal of Cultural Policy, **7(2**), 235-257.

Becker, J. (2004). **Public art: An essential component of creating communities**. Americans for the Arts.

Bianchini, F., & Parkinson, M. (Eds). (1994). **Cultural policy and urban regeneration: the West European experience.** Manchester University Press.

Blackman, M. (2011). **Public art discourse: a case study of Gateshead, England**. International journal of the Arts in society. 6(3), 137-152.

Bovaird, A. G. (1998). Public Art in Urban Regeneration. On the w@ terfront, 1-27.

Gökşin, A., & Müderrisoğlu, B. (2005). **Urban Regeneration: a Comprehensive Strategy for Creating Spaces for Innovative Economies**. Urban Regeneration: A Comprehensive Strategy. In 41st ISoCaRP Congress, İstanbul, 1-14

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

Hall, T., & Robertson, I. (2001**). Public art and urban regeneration: advocacy, claims and critical debates**.
Jarden, w. (2010**). Public art investigation into public arts development, funding, delivery and promotion in England, Wales, Scotland and Ireland**
Jasmi, M. F., & Mohamad, N. H. N. (2016). Roles of Public Art in Malaysian Urban Landscape towards Improving Quality **of Life: Between Aesthetic and Functional Value**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 222, 872-880.
Kana, K. (2012). **An experiment in urban regeneration using culture and art in Senba, Osaka's historic urban center, with a focus on the regeneration of urban space**. City, Culture and Society, 3(2), 151-163.
Kim, J. Y. (2015). **Urban Regeneration Utilizing Art: A Case Study of the Samlye Art Village, Korea**. International Journal of Multimedia and Ubiquitous Engineering, 10(11), 337-342.
Lakhanpal, adam (2013), **an exploration into public art as an urban regeneration tool for HULL**
Landi, P. J. (2012). **Public Art-Purpose and Benefits: Exploring Strategy in the New England City of Pittsfield, Ma.**
Lees, L., & Melhuish, C. (2015). **Arts-led regeneration in the UK: The rhetoric and the evidence on urban social inclusion.** European urban and regional studies, 22(3), 242-260.
Matarasso, F. (1997**). Use or ornament**. The social impact of participation in the arts, 4(2).
Mikulay, J. G. (2007). **The public's art: participatory gestures and contemporary practice. University of Wisconsin-Madison.**
Mitrache, G. (2012). **Architecture, art, public space**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 51, 562-566.
Montgomery, J. (2003). **Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration**. Part 1: Conceptualising cultural quarters. Planning, Practice & Research, 18(4), 293-306.
Ni, Y., & Teng, Y. (2012**). Analysis on the Interaction of Public Art in Different Areas of City**. In Soft Computing in Information Communication Technology (pp. 391-396). Springer, Berlin, Heidelberg.
Omar, S. S., Sakip, S. R. M., & Akhir, N. M. (2016). **Bringing the New to the Old: Urban regeneration through public arts**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 234, 515-524.
Palermo, L. (2014). **The role of art in urban gentrification and regeneration: aesthetic, social and economic developments**. IL CAPITALE CULTURALE. Studies on the Value of Cultural Heritage, (10), 521-545.
Pendlebury, J. (2000). **Conservation, conservatives and consensus: The success of conservation under the Thatcher and Major governments, 1979–1997**. Planning Theory & Practice, 1(1), 31-52.
Phoenix Initiative Coventry (2003), **Client Coventry City Council Completion June 2003**.
Ranney, S. (2012). SoHo**: Beyond Boutiques and Cast Iron: The Significance**, Legacy, and Preservation of the Pioneering Artist Community's Cultural Heritage.
Remesar, A. (2005). **Public Art: Towards a theoretical framework**. Eπολισε-πολισ, 128.
Remesar, A. (2011). **Public Art, strategies for the regeneration of public space**. On the w@terfront, (17), 3-27.
Roberts, P., & Sykes, H. (Eds). (1999**). urban regeneration**: a handbook. Sage.
Sharp, J., Pollock, V., & Paddison, R. (2005). **Just art for a just city: Public art and social inclusion in urban regeneration.** Urban Studies, 42(5-6), 1001-1023.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]

Tornaghi, C. (2008). **Questioning the social aims of public art in urban regeneration initiatives. The case of Newcastle upon Tyne and Gateshead** (UK). Unpublished manuscript, University off Newcastle.
Turk, N. (2014), **the Urban Renaissance: Art and Culture for Socioeconomic Regeneration in Jordann**.
Ursic, M. (2014). **City as a Work of Art'–Influence of Public Art in the City**. University of Ljubljana, Faculty of Social Sciences.
Vickery, J. (2012). **Public art and the art of the public–after the creative city**.
Zebracki, M., Van Der Vaart, R., & Van Aalst, I. (2016**). Deconstructing public artopia: Situating public-art claims within practice**. Geoforum, 41(5), 786-795.
Zheng, J. (2017). **Contextualizing public art production in China: The urban sculpture planning system in Shanghai**. Geoforum, 82, 89-101.
Zhong, S. (2016). **Artists and Shanghai's culture-led urban regeneration.** Cities, 56, 165-171.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.181]